

آثار و فرایند خلق اعتبار

اسدالله کریمی^۱

چکیده

پول یکی از کلیدی‌ترین پدیده و متغیرهای اقتصاد است و با توجه به نقش و جایگاه آن در ایجاد نوسانات اقتصادی، فهم و درک چگونگی و فرایند خلق پول و عوامل موثر بر خلق اعتبار، برای کارشناسان و سیاستگذاران اقتصادی ضروری است، زیرا یکی از مسائل اصلی و محوری در بانکداری، مساله خلق اعتبار و آثار و پیامدهای آن است، خلق پول در نظام بانکداری متعارف نقش اساسی در ایجاد مشکلات اقتصادی و بحران مالی دارد. یافته‌های این تحقیق، نشان می‌دهد که خلق و ایجاد اعتبار به وسیله نظام بانکی و نهادهای سپرده‌پذیر، اصلی‌ترین و مهم‌ترین علت بروز مشکلات و نابسامانی‌های اقتصادی مانند بی‌ثباتی اقتصاد- رکود و رونق-، بی‌ثباتی عرضه‌ی پول، افزایش نابرابری و نقض عدالت، محرومیت اجتماعی، عدم وفای به عهد، اکل مال به باطل، و همچنین باعث جلوگیری تحقق اهداف نظام مالی اسلامی مانند (عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و تثبیت قیمت‌ها می‌شود) است، و علت اصلی همه‌ی این مسائل حمایت‌های همه جانبه دولت و حاکمیت، از نظام بانکی و نهادهای سپرده‌پذیر است. **کلیدواژه‌ها:** اعتبار، نظام مالی اسلامی، خلق اعتبار، سپرده، نظام بانکی اقتصاد متعارف.

^۱. دانش پژوه دکتری علوم اقتصادی جامعه‌المصطفی‌العالمیه k.asadullah1972@gmail.com

مقدمه

پول یکی از اساسی‌ترین و تأثیرگذارترین نهادهای اقتصادی است. تعاملات اجتماعی در دنیای پیشرفته و توسعه یافته امروزی بدون وجود پول سخت و دشوار است. پول وسیله‌ای است که مبنای ارزش‌گذاری کالاها و خدمات و دارایی‌ها قرار می‌گیرد. پول، امروزه به گونه‌ای در تار و پود تعاملات و مبادلات انسانی وارد شده است که تصور دنیای بدون پول غیر ممکن و زندگی افراد بدون وجود پول امری محال است. (دولت آبادی، ۱۳۹۴، ص ۱-۲).

با وجود چنین نقش و جایگاه برای پول، ابهامات و سوالات زیادی در مورد ماهیت، چیستی و تعریف پول وجود دارد این ابهام و البته عدم توافق در مورد چیستی و تعریف پول در سایر حوزه‌های مرتبط با پول نیز وجود دارد. کیفیت و فرایند ایجاد خلق پول و اعتبار و آثار آن در اقتصاد، نیز یکی از موضوعاتی است که ابهامات فراوانی در باره آن وجود دارد. حتی در میان بانکداران، کارشناسان و سیاستگذاران و متخصصین اقتصادی، نیز فهم و درک مشترک از آن، در اقتصاد وجود ندارد. پول در اقتصاد به خودی خود خلق نمی‌شود، بلکه بانک‌ها و نهادهای سپرده‌پذیر آن را خلق و ایجاد می‌کنند. خلق گسترده پول و اعتبار به وسیله بانک‌ها و نهادهای سپرده‌پذیر، آثار و پیامدهای زیادی در نظام سرمایه‌داری و اقتصاد متعارف، و نظام مالی اسلامی دارد. از جمله آثار این پدیده، می‌توان به بی‌ثباتی اقتصادی (رکود و رونق)، بی‌ثباتی در عرضه پول، افزایش نا برابری و نقض عدالت، محرومیت اجتماعی و نقض اهداف نظام اقتصاد اسلامی مانند (عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و تثبیت قیمت‌ها) اشاره کرد.

با توجه به اهمیت و جایگاه که پول در اقتصاد دارد، سخن از موضوع مهم خلق پول به عنوان ویژگی نهاد پولی و عملکرد فعلی پولی در نظام اقتصادی و آثار آن در اقتصاد و نهادهای موثر در خلق پول و اعتبار کیفیت و فرایند خلق پول و اعتبار، عوامل موثر بر آن و آثار و پیامدهای آن در اقتصاد، دارای اهمیت می‌گردد. و سئوال‌ها و پرسش‌های در موضوع فوق وجود دارد:

۱- یکی از سئوالات مهم در کیفیت و قواعد حاکم بر فرایند خلق اعتبار، نهاد خلق‌کننده پول و اعتبار است. که کدام نهاد یا نهادهای عهده دار آن باشد، دولت یا بخش خصوصی؟ در حال حاضر دولت (بانک مرکزی) و بخش خصوصی (بانک‌های تجاری و موسسات سپرده‌پذیر) به عنوان نهادهای خلق‌کننده پول، نقش ایفا می‌کنند. محول کردن انحصاری خلق پول به دولت و یا بخش خصوصی و یا تعیین سازوکار مطلوب تعامل این دو نهاد با یکدیگر یکی از موضوعات مهم و اساسی در حوزه خلق اعتبار و پول است.

۲- یکی از سئوالات، که البته در حوزه اقتصاد اسلامی مطرح می‌شود آن است که آموزه‌های اسلامی چه دلالت‌هایی برای تنظیم و چگونگی خلق پول دارد. آیا خلق پول به شکل کنونی آن تحت نظام بانک‌داری مبتنی بر ذخیره جزئی مورد تأیید شریعت اسلامی است، به عبارت دیگر، قابلیت خلق پول و اعتبار بوسیله بانک‌های تجاری این سئوال را به وجود می‌آورد که آیا این پدیده از دیدگاه ارزش و اهداف اقتصادی اسلام قابل دفاع و تأیید است؟

۳- یکی دیگر از سئوالات در مورد خلق پول و اعتبار این است که خلق پول و اعتبار چه آثار و پیامدهای بر اقتصاد دارد؟ در این نوشتار در صدد انجام این امر مهم (ارائه پاسخ به سئوال سوم «سئوال اصلی تحقیق») هستیم، و روش تحقیق در نوشته حاضر، روش تحلیلی-توصیفی است، با این توضیح که: تحقیق پیشرو به بررسی دیدگاه

ها در مورد خلق اعتبار و آثار و پیامدهای آن در اقتصاد متعارف و اسلامی می‌پردازد، بدین منظور پس از بیان مقدمه، پیشینه تحقیق، ابتدا به تعریف، چیستی و فرآیند و مبانی نظری خلق اعتبار، پرداختیم. و در ادامه دیدگاه‌ها را بیان و پدیده خلق اعتبار را در نظام اقتصادی متعارف و اسلامی، مورد توجه و دقت قرار دادیم.

پیشینه تحقیق

شهید صدر، در رابطه با خلق پول توسط نظام بانکی، براین باور و عقیده است که « جایز نیست ذمه و عهده دیگری، نسبت به مالی از طریق قرض، بدون تحویل حقیقی آن مال، مشغول گردد؛ زیرا در عقد قرض قبض شرط است. بدین جهت، تمام پول‌های کاغذی که زائیده فکر و اندیشه سرمایه‌داری اروپای بوده و در آن، فرصت طلایی ایجاد شده است تا رشد مال به صورت رشد سرمایه‌داری صرف، بدون انجام هیچ‌گونه کاری صورت گیرد، باطل می‌گردد. این همان چیزی است که سرمایه‌داری بدان پی برد. این نظام می‌تواند تعهداتی به ارزش، ده برابر آنچه از دارایی‌های حقیقی نزد اوست، ایجاد کند و به واسطه‌ی آن، قرض‌های دیگران را معادل ارزش تعهد شده در آن کاغذها پوشش دهد. تا زمانی که طلبکاران در یک زمان، وجوه‌شان را مطالبه نمی‌کنند، بستانکار ترجیح می‌دهد به جای برداشت دارایی حقیقی از صندوق سرمایه‌دار یا بانک سرمایه‌گذاری، با همان پول‌های کاغذی به داد و ستد بپردازد. این بود که ثروت سرمایه‌داری، بدون کار، بر مبنای لغو قبض در عقد قرض، چندین برابر شد (صدر، ۱۴۲۹، ص ۴۷).

صمصامی و داودی، در کتاب تحت عنوان به سوی حذف ربا از نظام بانکی، از نظریه تا عمل، بر این باورند که خلق پول فقط از طریق بانک‌های قرض الحسنه و به صورت کنترل‌شده وجود داشته باشد (۱۳۸۹). صمصامی، داودی و جهانی گوران، در مقاله‌ای تحت عنوان هزینه‌های خلق پول در نظام بانکداری متعارف و راهکار تامین مالی اسلامی می‌پردازد، و براین باورند که بانکداری متعارف با سیستم ذخیره جزئی موجب خلق گسترده پول در اقتصاد می‌شود که منجر به افزایش هزینه اجتماعی و بی‌ثباتی در اقتصاد می‌شود. و پس از بررسی خلق پول در دو سناریو، نتیجه می‌گیرند که در اقتصاد اسلامی خلق پول ابعاد محدودتری به خود می‌گیرد و این وظیفه باید بر عهده بانک مرکزی باشد (۱۳۹۳).

قلی بیگلو، به تحلیل عملکرد ابزار سیاست پولی ذخیره قانونی و اثرهای ترازنامه‌ای آن بر اساس اطلاعات صورت‌های مالی شبکه بانکی در یک الگوی سیستمی - ساختاری، پرداخته است. ردیابی اثرهای ترازنامه‌ای سیاست پولی - افزایش سه درصد در نسبت ذخیره قانونی - از کانال اعتباری بر اساس روابط رفتاری در موارد گوناگون نشان می‌دهد که اقلام عمده ترازنامه شبکه بانکی در سمت دارایی و بدهی کاهش یافته و در برابر مانده حساب سود و زیان افزایش می‌یابد، بنابراین با ساختار و وضعیت کنونی بانک‌های کشور، اجرای سیاست پولی انقباضی و تکمیل اثرهای وقفه‌ای این سیاست با سازوکار ضریب فزاینده نقدینگی، به‌رغم کاهش منابع و مصارف باعث افزایش خالص درآمدهای بانکی، بهبود وضعیت شاخص‌های اصلی سلامت بانکی به‌ویژه سودآوری می‌شود (۱۳۹۰، ص ۹۴-۵۹).

بخشی و دلالی اصفهانی، به تحلیل نقش اصل ذخیره جزئی در خلق اعتبار در وضعیت‌های مختلف - وجود و عدم وجود بانک، صفر بودن و نبودن نرخ بهره بانکی - و آثار آن در اقتصاد کلان پرداخته‌اند. نتایج بیانگر آن است که با هر نرخی از ذخیره قانونی، بانک‌ها قادر خواهند بود تا بی‌نهایت پول و اعتبار خلق کنند. از آنجا که وام‌های

بانکی برای بانک درآمدزا هستند، بانکداری مبتنی بر اصل ذخیره جزئی تورم‌زاست (۱۳۹۱، ص ۱۸۵-۲۱۹). موسویان و نظری، به تحلیل الگوی بهینه نرخ ذخیره قانونی متأثر از دیدگاه‌های افراطی و تفریطی در حوزه بانکداری اسلامی پرداخته و با بیان دیدگاه‌ها و ادله دو دیدگاه فوق، در استفاده حداکثری و عدم استفاده از نرخ ذخیره قانونی، دیدگاه میانه را پیشنهاد داده‌اند؛ به گونه‌ای که در سپرده‌های دیداری، نرخ حداکثری در سپرده‌های قرض الحسنه، نرخ حداقلی و در سپرده‌های سرمایه‌گذاری نرخ بین حداکثر و حداقل تعیین شود. بر این اساس، تغییرها در نرخ ذخیره قانونی در سیاست‌گذاری بیشتر به سپرده‌های سرمایه‌گذاری محدود می‌شود. (۱۳۹۲، ص ۲-۲۶).

داودی، نظری و میرجلیلی، در کتاب پول در اقتصاد اسلامی به ماهیت پول از منظر اسلامی می‌پردازند و آثار اقتصادی مختلفی را برای پول ذکر می‌کنند، و یکی از مهم‌ترین آثار اقتصادی پول را سلطه ناشر پول می‌دانند، که فقط در مورد پول‌های اعتباری وجود دارد، و به آن حق آقایی و یا سلطه گویند، و آن‌ها بر این عقیده تاکید می‌کنند که از دیدگاه اقتصاد اسلامی، حق سلطه ناشی از ضرب و انتشار پول اعتباری، با توجه به مصالح عمومی جامعه، در انحصار حاکمیت اسلامی قرار دارد، تا هرگز دخل و تصرف‌های نامطلوبی بر خلاف مصالح کلی جامعه اسلامی، در انتشار پول اعتباری صورت نگیرد (۱۳۷۴).

دویاتف، در چارچوب یک الگوی تصادفی انطباقی به تحلیل اثرهای خلق اعتبار در اقتصاد می‌پردازد. نتیجه‌ها نشان می‌دهد که اگر افراد ریسک‌گریز باشند و مطلوبیت آن‌ها از انجام مبادله بالا باشد، خلق اعتبار در چنین جامعه‌ای مفید و باعث افزایش رفاه جامعه می‌شود (باستانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۳۹).

حسن، به تحلیل نقش خلق اعتبار در بروز بحران‌های متعارف اقتصادی و چشم‌انداز بانکداری اسلامی در باره استفاده از سیاست خلق اعتبار پرداخته است. به باور او خلق اعتبار به خودی خود نمی‌تواند عامل بروز بحران‌های اقتصادی در نظام بانکداری متعارف و نظام بانکداری اسلامی شود. آنچه می‌تواند باعث بروز بحران شود، سوء مدیریت در استفاده از خلق اعتبار است. بر این اساس، شکل پول و پشتوانه آن - فلز و اعتبار - در بانکداری متعارف و بانکداری اسلامی بحران‌زا نیست و باید با تقویت ویژگی‌های اخلاقی، سوء استفاده‌های مدیریتی از پول را بر طرف کرد.

کازین و شوبر، به تحلیل اثر رشد خلق اعتبار بر رشد، تولید ناخالص داخلی آلمان در سال‌های ۲۰۰۱م- ۲۰۰۷م پرداخته‌اند. پرسش در اینجا آن است که چرا میان رشد اعتبارات در آلمان در سال‌های یادشده با رشد اقتصادی ارتباط منفی وجود دارد و در بقیه سال‌ها این ارتباط مثبت است؟ جواب، از آنجا که طی سال‌های ۲۰۰۱م- ۲۰۰۷م تمایل به صادرات نزد سرمایه‌گذاران آلمانی بالا بوده و تقاضا برای اعتبارات داخلی کاهش داشته، رشد سپرده‌های داخلی رشد بیشتری از میزان رشد اعتبار داخلی داشته است. به عبارتی اثر مثبت رشد صادرات بیشتر از اثر منفی کاهش اعتبارات در تولید ناخالص داخلی اثرگذار بوده است (همان).

مفهوم‌شناسی

اعتبار، نهادی است که برای یک طرف مبادله امکان به دست آوردن منابع مالی و یا کالاها و خدمات را پیش از پرداخت بهای آنها فراهم می‌کند. در این تعریف، اعتبار به منزله‌ی وام بالقوه است. بنابراین، خلق اعتبار به عنوان اقدام یا فرآیندی تلقی می‌شود که با توجه به اعتمادی که نسبت به پرداخت آتی آن وجود دارد، موجب

به دست آوردن کالاها و خدمات می‌شود. چنانچه خلق پول به دو شکل پول کاغذی و پول فلزی کنار گذاشته شود، در این وضعیت، خلق پول معنای مترادف خلق اعتبار پیدا می‌کند؛ یعنی منشأ خلق پول، اقدامات شبکه‌ی بانکهای تجاری - بر مبنای اصل ذخیره جزئی - و بانک مرکزی - بر مبنای انتشار پول بدون پشتوانه است. به عبارت دیگر، بانک‌های تجاری و بانک مرکزی از طریق دادن وام و اعتبار، موجب و باعث خلق پول و اعتبار، از هیچ می‌شوند (نهادندی، ۱۳۵۲، ص ۲۰۷).

چیستی خلق اعتبار

در سیستم و نظام‌های اقتصادی امروزی بخش قابل توجهی از پول در جریان، بدهی بانک‌های تجاری و نهادهای سپرده‌پذیر است. این واقعیت، نتیجه رشد و تکامل تحولات متأثر پولی در اروپا و آمریکا است. مهم ترین تحولات که منجر به وضعیت کنونی شده است به انگلستان بر می‌گردد، در قرن هفده زرگرها نقش و جایگاه ویژه در نگهداری مسکوکات و انتشار رسید سپرده داشتند، آن‌ها در فاصله زمانی کم به خاطر ماندگاری اضافه بر نیاز سپرده‌ها، به انتشار چند برابری رسید (نسبت به ذخیره مسکوکات سپرده شده) روی آوردند. از این زمان بانک‌داری پیشرفته با شیوه‌ای ذخیره جزئی رشد کرد و تکامل یافت. لازم بودن واکنش در برابر بحران‌های پولی (و شاید وجود انگیزه‌های انحصارگرایانه)، دولت‌ها را در نیمه دوم قرن نوزدهم وادار کرد تا از منتشر کردن آزادانه‌ی رسید توسط بانک‌ها جلوگیری کرده و آن‌را در انحصار بانک مرکزی قرار دهند. در ادامه، سپرده‌های بانکی قابل خرج کردن با چک، در عرض اسکناس دولت به عنوان یک ابزار پرداخت جدید بوجود آمد. مجددا بحران‌های بانکی در دوره منتهی به رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰، دولت را جهت تحقق و برقراری ثبات اقتصادی، به واکنش متفاوت از قبل واداشت. حمایت و تضمین بدهی‌های بانکی (سپرده‌ها) برای ایجاد اطمینان در نظام پرداخت. سازوکاری نظیر بیمه سپرده و دیگر تضمین‌ها بر بدهی بانک‌ها از این زمان پیدا شد. از آن پس، ساختار و شاکله نظام پولی به این ترتیب ادامه پیدا کرد که بخش عمده پول در جریان، بدهی بانک‌های خصوصی بود.

خلق اعتبار به معنی درست آن حاکی از آن است که قابلیت وام‌دهی (و سپرده آفرینی) بانک، مقدم بر سپرده‌پذیری و تجهیز منابع است. زمانی که بانک وام می‌دهد که مساوی با افزودن بر حساب سپرده فرد وام‌گیرنده است، این پول و اعتبار افزوده شده به حساب وام‌گیرنده از حساب‌های قبلی پرداخت نشده و موجودی ذخایر بانک را کاهش نمی‌دهد، بلکه این قدرت خرید و پول خلق شده‌ی جدید است (سبحانی درودیان، ۱۳۹۵، ص ۳۳-۳۴). ادامه این جریان، وابسته بر مورد پذیرش بودن بدهی بانک‌ها به عنوان وسیله پرداخت و عدم تسویه یکجا و نقدی سپرده‌هاست. این پذیرش بدان معناست که بانک‌ها قادرند با شارژ کردن موجودی حساب سپرده‌ها (از طریق وام‌دهی یا خرید دارایی) سپرده (پول) جدید ایجاد کنند، بدون اینکه ترسی از تسویه خالص آن داشته باشند و یا نظام ذخیره قانونی مانعی بازدارنده در برابر کنش جمعی آن‌ها باشد. آنچه این حقیقت را ممکن و عملی می‌سازد مورد پذیرش بودن عمومی بدهی بانک به عنوان وسیله پرداخت رایج است.

مبانی نظری خلق اعتبار

بررسی و توضیح کیفیت و چگونگی ایجاد و اتفاق افتادن خلق پول و اعتبار، با توجه به پیچیدگی‌ها و متنوع

بودن عملیات بانک‌ها و نهادهای سپرده‌پذیر، امر سخت و دشوار است. به همین دلیل و برای اینکه به اصل فرآیند خلق پول و اعتبار بپردازیم به گونه‌ای که به اصل و اساس مطلب خدشه‌ای وارد نشود، یک سری ساده سازی‌ها انجام می‌شود. از این‌رو، برای بیان و توضیح فرآیند خلق پول در نظام بانکداری متعارف، با استفاده از نظریه‌ی - ذخیره قانونی جرئی - از الگوی ساده‌ای استفاده می‌شود:

صرافان و زرگران در قدیم به‌عنوان بانکداران اولیه فعالیت می‌کردند و در برابر حفظ و نگهداری پول‌های سپرده‌گذاران اجرت دریافت می‌کردند، با گذشت زمان همه پی‌بردند که استفاده از رسیده‌های سپرده به‌عنوان وسیله پرداخت، امور را بسیار تسهیل و آسان می‌کند. در نتیجه، این رسیده‌ها به‌عنوان پول پذیرفته شد. از این‌رو، در هر زمان تنها بخشی از رسیده‌های منتشر شده برای تبدیل به طلا و نقره به بانک‌ها ارائه می‌شد. بانک‌ها دریافتند که این امکان را دارند که بیش از حجم طلا و سکه سپرده شده، رسید منتشر کنند. بر این اساس، تنها با دادن تعهد به پرداخت، اقدام به پرداخت وام به متقاضیان کردند و به عبارت دیگر، بانک‌ها خلق پول و اعتبار را شروع کردند. (دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۳، ص ۹)

با توجه به مطالب فوق، فرض کنید بانک شماره یک بر مبنای سپرده‌های مردم به خانواده‌هایی که می‌خواهند خانه بخرند و یا بنگاه‌هایی که می‌خواهند سرمایه‌گذاری جدیدی انجام دهند، وام دهد و در قبال اعطای وام بهره دریافت کنند. بانک فوق باید مقداری ذخایر نگاه دارد تا هر زمان که سپرده‌گذاران تقاضای برداشت کردند، بتواند به تعهدات خود پاسخ‌گو باشد (همان). تا زمانی که مقدار سپرده‌های جدید حدوداً برابر برداشت هاست، نیازی به نگهداری تمام سپرده‌ها به‌عنوان ذخیره نیست، لذا بانک انگیزه دارد وام بدهد. به این نظام که بانک بخشی از سپرده‌ها را به‌عنوان ذخیره نگه می‌دارد، نظام بانکداری با ذخیره جزئی گفته می‌شود.

حال یک فرد حقیقی را در نظر بگیرید که، مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان پول خود را از بانک الف برداشت می‌کند، بانکمی داند که مشتری به‌طور میانگین، کل پول را نیاز ندارد و بخشی از آن، در فاصله بازگشت داده می‌شود. این احتمال وجود دارد که به طور متوسط، ۳۰۰ تومان در طول یک ماه مصرف شود. در نتیجه‌ی این فرض و احتمال، بسیاری از پول‌های سپرده‌گذاری شده در بانک بی‌استفاده باقی می‌ماند و بانک هر روز، به آن پول‌ها نیازی ندارد. بانک وظیفه دارد که نسبت و درصد آن پول را، ده درصد (۱۰۰۰) تومان را به عنوان ذخیره قانونی نگه دارد و ۹۰۰۰ تومان باقی مانده را به کسی که نیاز دارد، وام دهد.

در حال حاضر، سپرده‌گذار اصلی و وام‌گیرنده‌ی جدید فکر می‌کنند که در حساب بانکی خود پول دارند. سپرده‌ی اصلی ۱۰۰۰۰ تومانی در بانک به ۱۹۰۰۰ تومان سپرده تبدیل شده که شامل ۱۰۰۰۰ تومان سپرده‌ی اصلی است؛ ۹۰۰۰ تومان آن نیز به‌عنوان وام به وام‌گیرنده داده شده است. این ۹۰۰۰ تومان، در اقتصاد به کار گرفته می‌شود که با آن خرید و یا کسب و کاری انجام می‌گیرد، و پول بانکی دوباره در بانک ب سپرده‌گذاری می‌شود. بانک ب ۹۰۰ تومان آن را به عنوان ذخیره قانونی نگه می‌دارد، و ۸۱۰۰ تومان آن را قرض می‌دهد این مبلغ دوباره مصرف می‌شود و مجدداً در بانک ج انباشته می‌شود در این زمان، ۸۱۰۰ تومان آن به عنوان ذخیره نگهداری می‌شود، و ۷۲۹۰ تومان آن دوباره وام داده می‌شود. این روند همچنان ادامه یافته و در نتیجه مجموع ترانزاکسیون‌های تمام حساب‌های بانکی افراد افزایش می‌یابد. این بدان مفهوم است که در واقع، پول جدید یا قدرت خرید، ایجاد شده است. این فرایند با مقداری از وام، که در هر مرحله کاهش می‌یابد، ادامه پیدا می‌کند. تا بعد از ۲۰۴ مرحله از این

فرایند، کل سپرده‌های بانکی افراد را به ۱۰۰۰۰۰ تومان می‌رساند. و پول جدید به عنوان یک نتیجه ایجاد می‌شود (صمصامی و کیانپور، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲). این فرآیند به همین منوال تا جایی ادامه می‌یابد که دیگر مبلغی برای سپرده‌گذاری نمی‌ماند.

بیان دیدگاه‌ها در مورد خلق اعتبار

اولا، بایستی توجه داشت که پول را بی اثر و خنثی در نظر نگیریم. ثانیا، لازم است به ابعاد مثبت و منفی آثار خلق پول، همزمان توجه شود.

۱- دیدگاه‌های موافق

عده‌ای از صاحب‌نظران اقتصادی، بیشتر توجه و تمرکزشان بر فواید خلق پول بوده و به منافع آن اشاره می‌کنند، ایده اصلی موافقان این است که خلق اعتبار به وسیله بانک‌ها بر امکان‌پذیر ساختن خلق ارزش (تولید) و در نهایت در تقویت رشد اقتصادی موثر است، به عبارت دیگر، خلق اعتبار و پول جدید برای رشد و توسعه بخش حقیقی اقتصاد، دارای نقش و جایگاه ویژه و مهم است و افزایش حجم پول و اعتبار جهت بسط و گسترش تولیدات و توسعه اقتصادی لازم و بایسته است و بدون آن اقتصاد دچار رکود و قفل‌شدگی خواهد شد. پول را می‌توان به مثابه نهاد تولید در نظر گرفت، با این بیان که: یک بنگاه یا کارآفرین برای آغاز و شروع به فعالیت تولیدی یا گسترش آن، باید اول نهاده‌های معطل و بیکار تولید را فراهم نماید. از طرف، فرآیند سرمایه گذاری و تولید زمان‌بر است، به این معنی که بین شروع تولید و کسب درآمد ناشی از فروش محصول، فاصله زمانی وجود دارد، در اینجا بنگاه می‌تواند دو انتخاب داشته باشد: اول آن‌که، پرداخت به عوامل تولید را تا پایان فرآیند تولید به تاخیر انداخته و به نهاده‌های تولید وعده‌ی پرداخت در آینده از درآمد بدست آمده از فروش محصول را بدهد. که در این صورت، فرآیند تولید تضعیف و دچار مشکل خواهد شد زیرا که بسیاری از نهاده‌های تولید در چنین شرایطی حاضر به مشارکت در تولید نخواهند شد. دوم آن‌که، پرداخت به عوامل و نهاده‌های تولید را به تاخیر نمی‌اندازد بلکه توجه و مشارکت آن‌ها را با جبران خدمات آن‌ها جلب می‌کند. کارکرد خلق پول و اعتبار، در عملیات تولید، واقعیت بخشیدن به همین راه و انتخاب دوم است. در حقیقت پول و اعتبار تزریق شده به فرآیند تولید، به عنوان اعتبار اولیه‌ی خلق شده برای کارآفرین، یک مقدمه نهادی کلیدی برای همکاری و مشارکت نهاده‌ها و عوامل بیکار، در فرآیند تولید است (درودیان، ۱۳۹۵، ص ۳-۴). خلاصه آنکه شروع یا گسترش تولید نیازمند مشارکت عوامل تولید است و این جلب مشارکت، مستلزم وجود منابع مالی اولیه است. بنابراین، می‌توان ادعا نمود که چرخه‌ی اقتصاد با پول آغاز و در نهایت با کسب درآمد و پول (پس از فروش محصول) پایان می‌پذیرد. و پول و اعتبار، ظرفیتی است که در اختیار بنگاه و کارآفرین قرار داده می‌شود تا با استفاده از آن، نهاده و عوامل تولید را فراهم کرده و به گسترش تولید بپردازد.

شومپیتر را می‌توان مهم‌ترین چهره این دیدگاه و پیش‌گام آن دانست. از این‌رو، آنچه می‌توان به عنوان جنبه مثبت خلق پول بدان اشاره کرد، استفاده از خلق پول در راستای ترغیب تولید و به‌کارگیری ظرفیت‌های معطل و بلااستفاده است، همان اتفاق که به‌صورت خودجوش در زمان پیدایش خلق پول بانکی در اروپای غربی و آمریکا به وقوع پیوست. این در حالی است که نظریه متعارف اقتصادی نتوانسته مفهوم پول در تولید را درک کند، پول در بیان آن‌ها صرفا عاملی در جهت تشدید فشار تقاضا می‌باشد و با توجه به اشتغال کامل عوامل تولید در

بلندمدت نتیجه‌ای جز تورم ندارد. در حالی که عملاً، پولی که محرک استفاده از منابع بیکار توسط کارآفرینان باشد، ضمن تحریک تقاضا، تولید و عرضه را نیز تحریک می‌نماید. (ثابت، ۱۳۹۷، ص ۶۴)

۲- دیدگاه‌های مخالف

اقدامات شبکه بانک‌های تجاری بر اساس ذخیره قانونی جزئی و بانک مرکزی بر مبنای انتشار پول بدون پشتوانه منشا خلق پول و اعتبار است. بانک‌های تجاری پس از کسر ذخیره قانونی تعیین شده توسط بانک مرکزی از سپرده‌گذاری‌های انجام شده، وام می‌دهند. برگشت مبالغ وام داده شده در قالب سپرده‌های جدید زمینه‌ی مناسب جهت پرداخت وام‌های جدید را فراهم می‌کند. در نتیجه، بانک‌های تجاری با خلق اعتبار از هیچ، حاصل دسترنج دیگران را تصاحب می‌کنند. و با دادن اعتبارات ایجاد شده در قالب وام و دریافت بهره، توزیع ثروت را به نفع خود برهم می‌زنند. در نهایت، تمام پول و اعتبار خلق شده از طریق اعطای وام در نظام بانکداری مبتنی بر اصل ذخیره جزئی باید همراه بهره آن به بانک‌های تجاری برگردانده شوند. نتایج این فرآیند، شگفت‌انگیز است، زیرا میزان بدهی که توسط شبکه‌ی بانک‌های تجاری ایجاد شده، همیشه بیشتر از میزان پول در گردش است. دلیل این امر نیز بهره اضافی است که باید همراه با پول و اعتبار خلق شده به بانک‌های تجاری برگردانده شود. بنابراین، همیشه به خلق پول جدید نیاز است تا کسری همیشگی موجود در آن، جبران شود و این دلیل اصلی تورم در اقتصاد متعارف است. و به عنوان یک معضل همیشگی در نظام بانکداری مبتنی بر اصل ذخیره جزئی وجود خواهد داشت. (ایزد خواستی، ۱۳۹۶، ص ۱۱-۱۲)

مهم‌ترین آثار منفی خلق اعتبار

۱- عدم موافقت کارشناسان اقتصادی با خلق پول و اعتبار با استناد به معیارهای مختلفی صورت گرفته است، بیشترین حجم مخالفت برای این است که خلق اعتبار منجر به بی‌ثباتی اقتصادی می‌شود، مخالفین، نظام بانکداری مبتنی بر ذخیره قانونی جزئی را ذاتاً بی‌ثبات و مخاطره آمیز می‌دانند، زیرا ممکن است بانک با خروج یکجای درصد معنی داری از سپرده‌ها یا نکول وسیع تسهیلات اعطایی مواجه شود. (سبحانی و درودیان، ۱۳۹۵، ص ۳۵)

۲- محور دوم مخالفت مربوط می‌شود به دغدغه‌های عدالت‌جویانه، عدم سنخیت بین ساختار دارایی و بدهی بانک‌ها از جهت ریسک، نقدشوندگی و دوره زمانی، آن‌ها را به وابستگی دولت و اتکای به حمایت دولت، هدایت می‌کند، و دولت نیز از ترس بروز بحران‌های بانکی به تعبیه اهرم‌های حمایتی برای اطمینان بخشی به بدهی بانک‌ها می‌پردازد، این یعنی اینکه بانک‌ها عمل سودجویانه خلق پول را با حمایت دولت انجام می‌دهد، سیستم بانکداری در عمل به مصادره حمایت دولت در راستای نفع‌جویی خصوصی اقدام کرده و ریسک خود را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر جامعه تحمیل می‌کند.

جنبه دیگر نابرابری در ترتیبات خلق پول مربوط به رتبه بندی‌های اعتباری است، بانک به طور طبیعی در دادن وام به ظرفیت بازپرداخت، گیرنده اعتبار توجه دارد که این ظرفیت، تابع ثروت و دارایی متقاضی است، نتیجه طبیعی این فرایند دسترسی بیشتر ثروتمندان به اعتبار و قابلیت این طبقه جهت بهره‌گیری از فرصت‌های سودآور بازار است، کارکرد ناخواسته بانکداری ثروتمندتر کردن اغنیا و محروم ساختن دیگران از فرصت دسترسی به اعتبار است.

۳- سومین محور مخالفت با خلق پول، ملاحظات اخلاقی است، مخالفان، عملیات متعارف بانکداری را،

فعالیتی غیر شفاف، فریب کارانه و نوعی خیانت در امانت می‌دانند، بانک چنین القا می‌کند که سپرده‌های افراد در دسترس و قابل خرج کردن است در حالی که قبلاً آن‌ها را وام داده و در صورت تقاضای تسویه یکجای درصد معنی داری از سپرده‌ها، قادر به ایفای تعهد خود نیست، بانک‌ها بدون اجازه صاحبان سپرده، یا بدون بیان شفاف ماهیت کار خود از سپرده‌ها، جهت وام‌دهی و کسب سود، بهره می‌گیرند.

۴-۵- دو مورد دیگر از مخالفت، مربوط به عدم توان اعمال حاکمیت به وسیله دولت در نشر پول و دادن اعتبار به فعالیت‌های نامولد یا کمترمولد از محل اعتبارات بانکی است، خلق پول توسط بانک‌ها عملاً یکی از ماموریت‌های حاکمیت را سلب کرده و با توجه به اینکه دولت نماینده عموم است، این کار نوعی تجاوز به حقوق مردم است، از جهت تولیدی نیز بانک‌ها ممکن است از قدرت خلق پول در جهت پیگیری اغراض و منافع استفاده کنند که با بهینه اجتماعی سازگار نیست. (همان، ص ۳۷)

این آثار نامطلوب ذخیره جزئی و خلق پول بانکی سبب شد تا دیدگاهی در رد یا اصلاح نظام بانکداری مبتنی بر اصل ذخیره جزئی توسط اندیشمندان اقتصادی غرب مطرح گردد.

بنابراین در نظام پولی جاری که بانک‌ها از این حق برخوردار هستند که اقدام به خلق پول به مقدار زیاد به عنوان بدهی و بهره‌های پرداختی به این بدهی‌ها را موجب می‌شوند.

ارتباط پول با بدهی عواقب زیان‌باری برای عده‌ی زیادی از مردم و کسب‌وکارها به وجود می‌آورد، به خصوص برای افراد فقیر و کسانی که کسب‌وکار با سود اندک دارند. بعلاوه این، افرادی که این بدهی را نگه می‌دارند بهره پرداخت می‌کنند. پول‌های بانکی خلق شده توسط سیستم بانکی به‌طور اجتناب‌ناپذیری به معنی پول هستند و به صورت تدریجی انباشته می‌شوند، این در حالی است که تعداد زیادی از مردم به انباشت بیشتر و بیشتر بدهی نیاز دارند. چرا که این سیستم به اندازه بدهی‌ها پول خلق می‌کند اما بهره‌ای آن را تولید نمی‌کند. بنابراین مردم نیاز بیشتر و بیشتری به بدهی و وام برای پرداخت بهره‌های (بدهی) خواهند داشت. (صمصامی و کیانپور، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲). در نهایت ترکیب این عوامل سیستماتیک-امتیاز ایجاد پول به عنوان بدهی و به میزان زیاد، و جمع‌آوری بهره‌های بازپرداخت بدهی‌ها- بدین معنی است که هرگز پرداخت‌های اقتصاد بازپرداخت نمی‌شوند.

پس می‌توان گفت که خلق پول و عرضه پول و آثاری که به دنبال دارد اهمیت فوق‌العاده دارد، زیرا افزایش بیش از حد پول باعث تورم و کم شدن آن، یکی از عوامل رکود است در ضمن تغییر میزان عرضه، باعث تغییر در ارزش دارایی‌ها و بدهی‌های مردم و سبب کاهش یا افزایش قدرت خرید آن‌ها می‌شود و نیز در صورتی که افزایش عرضه پول با نیازهای واقعی اقتصادی متناسب نباشد تورم و تغییر در توزیع درآمد را در پی خواهد داشت. این موضوع چنین ریشه‌یابی شده است: بانک‌ها، با حمایت بیمه سپرده و مداخله‌های متعدد دولت، به خاطر سود سهامداران خود و منافع حداکثری خود برای به دست آوردن سود بیشتر در فعالیت‌های پر ریسک و سرمایه‌گذاری‌های بی‌فایده اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند، در حقیقت بانک‌ها تصمیم می‌گیرند که چه مقدار اعتبار تخصیص دهند و انگیزه اغلب آن‌ها به نفع وام‌گیرندگان وثیقه دار و افراد با درآمد بالا است در نتیجه وام‌دهی و ایجاد پول‌های جدید به جای اینکه در سرمایه‌گذاری پایدار باشد به کسب و کارهای کوچک تولیدی، املاک و سیفته‌بازی (حصارهای تورمی) هدایت می‌شود که عواقب زیان‌باری برای جامعه دارد.

نکته دقیق و ظریفی هست که لازم است به آن توجه شود: بین وام بانکی و وام غیر بانکی، تفاوت‌های زیادی وجود دارد. هنگامی که شخص یا موسسه‌ای، غیر از بانک وام می‌دهد، در واقع، بخشی از قدرت خرید خود را به وام‌گیرنده منتقل می‌کند. از این‌رو، با اعطای وام غیر بانکی تقاضای کل در اقتصاد تغییری نمی‌کند. اما هنگامی که بانک وام می‌دهد، قدرت خرید اضافی تولید می‌شود، زیرا از یک طرف، وقتی وام‌گیرنده مبلغ وام دریافتی خود را هزینه نمود، آن مبلغ، در قالب سپرده جدید به بانک بر می‌گردد و زمینه پرداخت وام دیگری فراهم می‌شود. این روند تا جایی ادامه پیدا می‌کند که کل ذخیره پولی اولیه (ذخیره قانونی) در بانک تکمیل شود. (ثابت، ۱۳۹۸، ص ۶۹)

از طرف دیگر، بانک‌ها با خلق پول از هیچ، به این موضوع دامن می‌زنند. بر این اساس، وام بانکی تقاضای کل اقتصاد را افزایش می‌دهد. بانک‌ها با دریافت بهره، به طور مرتب، پول ملی را متناسب با درصد بهره دریافتی خویش در اختیار می‌گیرند و با خلق اعتبار، این موضوع را تشدید و سرعت می‌بخشند. از این‌رو، همواره پول ملی از جیب مردم به خزانه بانک‌ها سرازیر می‌شود و هر روز دولت و مردم به بانک‌ها بدهکارتر می‌شوند که استمرار این امر موجب فزونی طلب بانک‌ها از کل ذخیره پولی می‌گردد و بستر بعدی بحران‌های پولی و مالی را فراهم می‌سازد. اگر سیستم مالی توان اعطای اعتبار داشته باشد، متناسب با شدت تقاضای وام، بحران مالی عمیق‌تری انتظار خواهد رفت.

خلق اعتبار در نظام اقتصادی متعارف

نظام پولی متعارف نقص‌ها و اشکالات عمده‌ای دارد و فضای علمی حتی در چارچوب نظریه‌های نظام سرمایه‌داری به ناکارآمدی و بی‌ثباتی ناشی از نظام پولی متعارف اعتراف کرده است و به شکل‌های مختلف و در فضاهای متفاوت، پدیده‌ها و آثار و پیامدهای نامطلوبی همچون تورم، بیکاری، تخصیص غیر بهینه منابع، توزیع نا عادلانه درآمد و ثروت و بحران‌های زیست‌محیطی را از نظام پولی متعارف جدا ناپذیر می‌دانند. خلق پول بوسیله نظام بانکی در اقتصاد متعارف مشکلات اساسی و بنیادین برای اقتصاد، مردم و جامعه به همراه دارد که در ادامه به بیان برخی از آثار به‌طور جداگانه پرداخته می‌شود:

۱- نبود آزادی اقتصادی واقعی و سلطه و حق آقایی و کسب درآمد بانک‌ها

منافع بهره در بازپرداخت بدهی‌ها به جای اینکه برای همه مردم و جامعه در نظر گرفته شود و همه‌ی افراد جامعه از آن برخوردار باشد، تنها برای تعدادی از بانک‌هاست، در صورتی که هیچ دلیل و استدلال منطقی و قابل قبول وجود ندارد که اثبات کند حق ایجاد و خلق اعتبار و پول و جمع‌آوری بهره‌ی آن به بانک‌ها اختصاص دارد. سود و بهره ویژه‌ی بانکی از قبل تعیین شده توسط بانک‌ها و سطح بالای بدهی عمومی، اثر منفی قابل ملاحظه‌ای بر اقتصاد واقعی می‌گذارد. بانک‌ها راه توسعه‌ی اقتصاد را بسته‌اند؛ زیرا وام به خاطر کسب بهره و متناسب با معیارهای است که نفع ثروتمندان و افرادی را در پی دارد که وثیقه‌ی قابل توجهی دارند. در نتیجه، در نظام پولی کنونی پول‌های خلق شده به نفع اقتصادهای قوی است. و با تبعیض علیه افراد فقیر و ضعیف و شرکت‌های کوچک، به وام‌گیرندگان بزرگ‌تر پرداخت می‌شود. (صمصامی و کیانپور، ص ۱۱۵). این اثر که ناشی از حق آقایی در نظام اعتباری پولی می‌باشد، به نظر می‌رسد که باید مختص به دولت و حاکمیت باشد، زیرا قدرت فوق‌العاده‌ی را برای ناشر و خلق‌کننده پول و اعتبار می‌دهد و با توجه به مالیت داشتن و پذیرش

عمومی پول توسط مردم، با خلق و نشر پول و اعتبار جدید، نهاد خلق‌کننده قدرت خریدی معادل ارزش اسمی پول خلق شده، ایجاد می‌کند که از اعمال و به‌کارگیری آن می‌تواند کالاها یا خدمات تولید شده در اقتصاد را خریداری کند یا اوراق مشارکت و سهام شرکت‌ها را خریداری کرده و بخشی از سود ایجاد شده در اقتصاد را به خود اختصاص دهد. (دولت آبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۲) این اثر فقط در پول‌های اعتباری به وجود می‌آید، ناشر و خلق‌کننده اعتبار، قدرت خرید زیادی را تحت حاکمیت خود در می‌آورد. با انتشار پول اعتباری، ناشر پول در سایه مقبولیت عامه پول در جامعه، نسبت به کالاها و خدمات حقیقی، ایجاد تقاضا می‌کند. در این حالت، اگر بنابه دلایل، تولیدی در جامعه صورت نگیرد قیمت‌ها افزایش یافته و در جامعه تورم به وجود می‌آید. از این‌رو قدرت خرید مردم کم شده و فقط می‌توانند بخشی اندک از کالاها و خدمات را به دست آورند و بقیه آن‌ها در اختیار ناشر و خلق‌کننده پول اعتباری خواهد بود. به بیان دیگر، بر اساس نظریه مقداری پول، افزایش حجم پول در اقتصاد باعث افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و بروز پدیده تورم می‌شود. پول در عین این که بدهی نهاد منتشر کننده است، دارایی فرد یا نهادی است که آن را نگه می‌دارد. افزایش سطح قیمت‌ها به معنای کاهش ارزش واقعی پول است و لذا این سیاست دولت باعث کاهش ارزش دارایی‌های افرادی است که پول نگه می‌دارند. در واقع دولت با این سیاست، هزینه‌های خود را بوسیله هزینه بخشی از مردم تامین کرده است. از این‌رو بار سنگین مخارج دولت بر عهده صاحبان درآمدهای ثابت، نیمه ثابت، بستانکاران و ... خواهد بود. به عبارت دیگر تورم ناشی از خلق پول باعث یک نوع بازتوزیع از سوی مردم به سمت دولت و نهاد خلق‌کننده پول و اعتبار خواهد شد. لذا خلق پول جدید در اقتصاد باعث کاهش ثروت حقیقی بخشی از مردم می‌شود.

در فقه قاعده‌ی تحت عنوان «احترام مال مردم» وجود دارد که مفاد آن مصونیت اموال مردم از تصرف و تعدی است؛ بدین معنا که اولاً تعدی و تجاوز نسبت به آن‌ها جایز نیست و ثانیاً بر فرض وقوع تعدی و تجاوز، مسئول و ضامن است (محقق داماد، ۱۴۰۶، ص ۲۱۳). بر اساس قاعده فوق، خلق پول دستوری با توجه به این که سبب ضایع شدن اموال و دارایی‌های بخشی از مردم می‌شود، جایز نیست، چرا که باعث تضییع و اتلاف اموال مردم خواهد. باتوجه به آثار نامطلوب خلق پول و اعتبار که بر اقتصاد جامعه می‌گذارد، چنین حقی باید در اختیار دولت قرار داده شود. (ثابت، ۱۳۹۸، ص ۷۱). مشکل نظام پولی امروزی این است که بانک‌های تجاری دارای امتیاز ناسالم خلق پول به عنوان بدهی و بهره‌مندی از بهره‌های پرداختی به این بدهی‌ها می‌باشند.

۲- بی‌ثباتی و بحران اقتصادی

این اثر منفی و نابسامانی اقتصادی که روی تمام ابعاد و زوایای اقتصادی یک جامعه و کشور اثرات سوء و نامطلوب دارد، به صورت‌های مختلف از سوی اندیشمندان اقتصادی مورد اذعان قرار گرفته است.

ثبات اقتصادی از مهم‌ترین اهداف نظام اقتصادی است که در قرن اخیر، توجه اقتصاددانان را به خود جلب کرده است. ثبات اقتصادی به معنی تحقق اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها و رشد اقتصادی می‌باشد (ثابت، ۱۳۹۸، ص ۷۸). کارشناسان و اقتصاددانان زیادی، آثار اقتصادی را بلحاظ رونق و رکود مورد توجه جدی قرار دادند و پس از بررسی چرخه‌های تجاری و روند افزایش و کاهش در خلق اعتبار و افزایش و کاهش در عرضه پول، دریافتند که خلق پول بوسیله بانک‌های تجاری، از عوامل اصلی چرخه‌های تجاری و بی‌ثباتی اقتصادی

به حساب می‌آید. به عنوان مثال در رکود اقتصادی، محدود شدن خلق اعتبار، عرضه پول را کاهش داده در حال که (در همان زمان اگر افزایش خلق اعتبار داشته باشیم) می‌توانستیم اثرات رکود را کاهش دهیم (صمصامی و کیانپور، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳). برخی از اقتصاددانان، مهم‌ترین نقص یا اشکال نظام بانک‌داری مبتنی بر ذخیره قانونی جزئی را بی‌ثباتی ذاتی آن می‌دانند که باعث ایجاد یا تشدید بی‌ثباتی‌های اقتصادی می‌شود. و همچنین نظام بانک‌داری مذکور و خلق اعتبار بوسیله بانک‌ها باعث بحران اقتصادی (بروز ناخواسته و پیش بینی نشده‌ی یک وضعیت نامطلوب در متغیرهای بخش حقیقی اقتصاد، از جمله تولید، درآمد حقیقی، حجم مبادلات اقتصادی و مصرف، به عبارت، انتقال سریع به وضعیت رکودی) می‌شود. هنگامی که تولید ناخالص ملی واقعی به سرعت و شدت و در طی یک دوره چند ساله کاهش می‌یابد و در کنار آن نرخ بیکاری با سرعت افزایش می‌یابد، بحران اقتصادی اتفاق می‌افتد، بی‌ثباتی در اقتصاد به معنی فاصله گرفتن اساسی تولید واقعی از سطح تولید تعادلی همراه با اشتغال کامل می‌باشد.

۳- فاصله طبقاتی و نابرابری

بر مبنای اصل رایج، ارزش منابع رایج باید برای همه شهروندان باشد و نباید به نهادهای خصوصی واگذار گردد. این بدان معنی است که:

ارزش پول که به وسیله فعالیت‌ها و تقاضاهای بزرگ جامعه یا فرایندهای طبیعت ایجاد می‌شود، باید یک منبع عمومی و برای همه باشد. اما این اصل به وضوح بر پول‌های جدیدی که خلق می‌شود و به عنوان پول‌های رسمی به گردش در می‌آید و مطابق نیازهای اقتصاد و اهداف سیاست پولی است، صدق نمی‌کند.

اجازه دادن به بانک‌ها برای خلق پول جدید از هیچ، آنها را قادر می‌سازد که سود ویژه‌ای به دست آورند. بانک‌ها پول را با بهره‌ی بالا به مشتریان خود وام می‌دهند، بدون اینکه خود بهره‌ای بپردازند. این سودی است که از این کار به دست می‌آورند. برای مثال، بانک وامی با سود ۹ درصد می‌دهد، درحالی که سود چهار درصد به مشتریان خود می‌پردازد. تفاوت این سودها پنج درصد سود ویژه‌ای است که بانک‌ها به دست می‌آورند. این سود ویژه‌ی اضافی تا حدی از مشتریان بانک‌ها پنهان مانده است. مردم نمی‌دانند این ساختار چگونه کار می‌کند و ترازنامه‌های بانک این (سود ویژه) را نشان نمی‌دهد. سود ویژه‌ای است که بانک‌ها به دست می‌آورند. این سود ویژه‌ی اضافی تا حدی از مشتریان بانک‌ها پنهان مانده است. مردم نمی‌دانند این ساختار چگونه کار می‌کند و ترازنامه‌های بانک این (سود ویژه) را نشان نمی‌دهد.

خلق پول در بانک‌های تجاری با بهره همراه است و این، اثرات مخرب اجتماعی بر جای می‌گذارد، خلق پول‌های جدید با ایجاد بدهی بیشتر در جامعه همراه است.

بدین روی، بدهکارها نقش قابل توجهی در ایجاد فقر و انتقال ثروت از فقیر به غنی و به کشورهای ثروتمند بر عهده دارد. در نتیجه، نظام بانکی کنونی، هزینه‌های اضافی در قالب پرداخت بهره برای افراد ایجاد می‌نماید. پرداخت این هزینه‌های اضافی توسط افراد فقیر نسبتاً سخت‌تر از افراد ثروتمند است. خلق پول توسط بانک‌ها، موجب انتقال ثروت از فقرا به ثروتمندان و در نتیجه افزایش محرومیت اجتماعی و بی‌عدالتی و باعث فاصله طبقاتی شده است (صمصامی و کیانپور، ۱۳۹۴، صص ۱۱۴-۱۱۵).

خلق اعتبار از دیدگاه اقتصاد اسلامی

برای بررسی و ارزیابی نهایی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی، و تحلیل استدلال های متفکران اسلامی در مخالفت با سازوکار کنونی خلق پول نظام بانکی، از رویکرد «کل گرایانه - غایت محور»، استفاده می کنیم.

براساس این رویکرد، خلق پول هنگامی مجاز است که علاوه بر ناسازگار نبودن با ضوابط شرعی و دینی، اهداف و مقاصد نظام مالی اسلامی را نیز تامین نماید. از این رو، دو نوع استدلال متفاوت در مخالفت با امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی، که مبتنی بر رویکرد «کل گرایانه-غایت محور» رایج در ادبیات و مطالعات اقتصاد اسلامی است، بیان می شود:

الف - ناسازگاری با ضوابط دینی

با دقت در فرایند خلق اعتبار، می توان به خوبی دریافت که خلق اعتبار به وسیله ی نظام بانکداری با بسیاری از ضوابط مورد اعتماد فقهی و دینی در تضاد و اصطکاک است. در این بین، تضاد موجود با عدالت و بازتوزیع عادلانه ی ثروت، نفی غرر و نفی اکل مال به باطل بارزتر است.

به عبارت دیگر، چستی خلق پول و اعتبارت به وسیله نظام بانکی موجب نقض ضوابط شرعی-دینی و تحقق مشکلاتی همچون «عدم وفای به عهد» و «خوردن مال به باطل و نا حق» می شود که در ادامه به آن ها پرداخته می شود:

۱- عدم وفای به عهد: خداوند در قرآن کریم، در آیه ۹۱ سوره نحل، و در آیه یک سوره مانده، مسلمانان را به وفای به عهد فرا می خواند. همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم «ص» آمده است: «المؤمنون عند شروطهم» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۷۱). نظام بانکی از طریق دادن و صدور وعده های بازپرداختی بیشتر از ذخایر نقدی، به خلق پول و اعتبار مبادرت و اقدام می کند. اگر تمام افراد برای دریافت سپرده های خود به بانک ها هجوم آورند- شبیه آنچه در دوران رکود، در برخی از کشورها اتفاق افتاد. بدون تردید نظام بانکی قادر به عمل به تعهدات خود نخواهد بود. حمایت های متنوعی از جانب دولت و حاکمیت برای جلوگیری از این رخداد شبیه «بیمه ی سپرده» و وام دهنده ی نهایی مطرح شده است؛ اما بیمه ی سپرده، به صورت روشن و مشخص، در تعداد از کشورها با افزایش احتمال بروز بحران بانکی همراه است. از این رو، با این همه حمایت، هنوز هم امکان خلف وعده وجود دارد.

۲- خوردن مال دیگران به ناحق و باطل: در ارتباط با قاعده ی «نفی اکل مال به باطل»، از مجموع مباحث فقهی مرتبط با مبادلات اقتصادی می توان فهمید که هرگاه در یک مبادله اقتصادی اعم از مبادلات معمول یا غیر آن، ارزش اسمی یک طرف مبادله با ارزش واقعی طرف دیگر متناسب نباشد، اقدام به آن مبادله از مصادیق اکل مال به باطل خواهد بود (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۴۹-۵۰). حال با توجه به اینکه در مقابل اعتبار خلق شده به وسیله ی بانک تجاری، ارزش اقتصادی متناسبی وجود ندارد، آیا می توان خلق اعتبار را از مصادیق اکل مال به باطل دانست؟ اکل مال به باطل از نظر قرآن و سنت و فقه حرام است. حرمت اکل مال به باطل به عنوان یک قانون و ضابطه ی عمومی، در تمام عرصه های مالی جاری است. طبق این قانون، هرگونه تصرف در اموال دیگران به وجه باطل حرام است. بنابراین، هرگونه تقلب، غش، دزدی، رشوه، زورگیری و امثال آن و نیز معامله بر موضوعی که منفععت عقلانی ندارد، همگی باطل است. لذا، هر نوع تصرف در اموال دیگران بر وجهی که از دیدگاه عرف و عقل یا از دیدگاه شرع اکل مال به باطل

باشد، حرام و ممنوع است، در حالی که تصرف در اموال دیگران بر وجه تجارت از روی رضایت دو طرف، صحیح و حلال است (موسویان، ۱۳۹، ص ۸۹). نظام بانکی به عنوان یک کل، از طریق صدور وعده های بازپرداختی بیشتر از ذخایر نقدی به خلق پول اقدام می کند. بدین روی، بانک ها واقعا چیزی را می فروشند که مالک آن نیستند. پس خلق پول توسط نظام بانکی به معنای «اکل مال به باطل» است.

ب. نقض اهداف نظام مالی اسلامی

خلق پول باعث نقض اهداف نظام مالی اسلامی به شرح ذیل می شود:

۱- بی ثباتی اقتصادی: خلق پول موجب بی ثبات اقتصادی می شود. بی ثباتی ناشی از خلق پول در دو

بخش مجزا و جدا از هم قابل بررسی است:

اول، بی ثباتی ذاتی نظام بانکی: بانک، در صورت درخواست یکجا و همزمان سپرده گذاران در باز پس گیری سپرده، و نیز به علل اقتصاد کلانی در وضعیتی قرار می گیرد که توانایی پاسخ گویی سپرده گذارانش را نخواهد داشت. در این صورت، ورشکستگی بانک ها امری حتمی به نظر می رسد. از سوی دیگر، چنانچه بانک ها به خاطر کسب سود یا حمایت دولت (که در مواقع بحران صورت می گیرد) ذخایر کمتری نگه دارند، نظام مالی ممکن است در شرایطی قرار گیرد که بحران های بانکی از یک بانک به کل نظام بانکی و نظام مالی سرایت کند و تمام این عوامل امکانی را فراهم می آورد که در مجموع، نظام بانکی در وضعیت مستعد و در آستانه فروپاشی قرار گیرد.

دوم، چرخه های رکود و رونق: هنگامی که رکود اقتصادی، اقتصاد را در معرض تهدید قرار می دهد مشتریان بانک می کوشند بدهی های خود را باز پرداخت نکنند و یا - دست کم - وام های خود را کم کنند و می کوشند مصرف خود از وام های موجود را به تعویق بیندازند که این به کاهش عرضه پول منجر و منتهی می شود و یا حداقل سرعت رشد آنها عرضه پول را کم می کند و از این رو، سطح قیمت ها کاهش می یابد و به صورت مارپیچ رو به پایین می رود و گاهی شدت حرکت مارپیچ رو به پایین منجر به رکود شدید می شود. خلق پول جدید منجر به سقوط شدید در اشتغال، فروش، سود، سرمایه گذاری و ارزش دارایی (مانند خانه) می شود.

هنگامی که این وضعیت به رونق اقتصادی تبدیل شود، این رویه بر می گردد و افراد مشتاق به قرض گرفتن، برای سرمایه گذاری می شوند. از این رو، با قرض گرفتن، عرضه پول در گردش و به تبع آن، ارزش دارایی ها زیاد و به مارپیچ رو به بالا منجر می شود. رونق بیش از حد اقتصاد منجر به افزایش نرخ بهره می شود و به تبع آن، وام گیری (سپرده گذاران) کاهش می یابد و لذا، از افزایش مقدار قابل توجه پول در جریان جلوگیری می شود.

در این شرایط، بانک های تجاری به طور طبیعی، به سود بالایی می رسند. آنها ضد چرخه رفتار می کنند، نه مطابق چرخه، افزایش اعتبار در طول دوره رونق و کاهش آن در طول دوره رکود.

در نتیجه ی خلق پول توسط بانک ها، کمک زیادی به چرخه های کسب و کار می شود و قله های رونق و فرورفتگی های رکود را تقویت می کند و موجب بازگشت بیش از حد بهینه پول می شود و به گونه ای نظام مند به بی ثباتی قیمت ها و نرخ ویژه ی بهره منجر می شود. بی ثباتی اقتصادی با اهداف نظام مالی اسلامی ناسازگار است و از این رو، خلق اعتبار به وسیله نظام بانکی در نظام مالی اسلامی پذیرفته نمی شود (صمصامی و کیانپور).

آثار خلق پول توسط نظام بانکی، مانند بی‌ثباتی در قیمت‌ها، تخریب محیط زیست، استعمار کارگر، مخاطره‌ی اخلاقی، سرمایه‌گذاری بی‌فایده، و حباب دارایی منجر به جلوگیری از تحقق اهداف نظام مالی اسلامی، مانند «عدالت اجتماعی»، «رشد اقتصادی» و «تثبیت قیمت‌ها» شده است. از این‌رو، در ادامه بحث، برخی آثار خلق پول و اعتبار توسط نظام بانکی بر اهداف نظام مالی اسلامی بیان می‌شود:

۲- نبود عدالت اجتماعی: به منظور ارائه یک قضاوت قابل دفاع از خلق پول و اعتبار از زاویه ارزشی اقتصاد اسلامی، ابتدا باید مهم‌ترین اصول و ملاک‌های هنجاری برگرفته از چارچوب ارزشی دین اسلام را بیان و سپس فهمی منطبق با واقع از رویه کنونی خلق پول را به آن‌ها عرضه کرد. برای این منظور، ابتدا به تصریح مهم‌ترین ملاک‌ها به ارزیابی پرداخته و سپس حقایق موجود مرتبط با این ملاک‌ها مورد ارزش داوری قرار خواهد گرفت:

در بین ملاک‌های اقتصادی برگرفته از دین اسلام ملاک عدالت، دارای تقدم و اولویت است. تقدم و اهمیت مفهوم عدل از بسیاری از آیات و روایات استخراج شده و تحقق آن یک اصل قطعی زمینه‌ساز برای حصول اهداف دینی در حوزه اجتماعی تعریف شده است. در یک تفکیک کلی عدالت- از جمله در اقتصاد- در دو حوزه فرصت‌ها و نتایج قابل تعریف است، در حوزه نخست بر عدم تبعیض در مقدمات پافشاری داشته و ایجاد می‌کند تبعیضی در دادن امتیازات قانونی و دسترسی به فرصت‌ها وجود نداشته باشد، در این سطح از عدالت، افراد برابر، به یک اندازه حق استفاده از فرصت‌های اقتصادی از جمله فرصت وارد شدن به یک فعالیت اقتصادی یا بهره‌مندی از منابع عمومی یا حمایت‌های دولتی را دارند، اما در حوزه دوم، عدالت از دیدگاه دین، به توازن اجتماعی یا همان عدالت توزیعی مربوط است که محتوای آن ایجاد کننده حرکت به سوی تعدیل در شکاف ثروت و درآمد بین افراد در جامعه است (کرمی و پورمند، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶). از لارمه آن معنا این است که اولاً، تفاوت در درآمد و ثروت نه ناشی از تبعیض در مقدمات و فرصت‌ها، بلکه صرفاً ناشی از کار (کمیت یا کیفیت کار) باشد و ثانیاً، همه مردم دست‌کم از سطح کفاف (حداقل معاش) در زندگی برخوردار باشند (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۳۶۲).

به عبارت، عدالت در بعد اقتصادی، قائم به دو عنصر کفاف عمومی و تعدیل ثروت است (هادوی تهرانی، ۱۳۸۸، صص ۱۰۳-۱۰۴). برخی تعالیم صریح دینی دال بر عدم تمرکز ثروت حاکی از آن است که: اسلام وضعیتی را که در آن شکاف در برخورداری از ثروت و درآمد شدت یابد، نامطلوب پنداشته و سازوکارهای پایدارکننده یا تشدیدکننده تمرکز در برخورداری‌ها را بر نمی‌تابد.

تقابل و تضاد خلق اعتبار با قواعد مربوط به لزوم توزیع عادلانه‌ی ثروت به راحتی قابل درک است. خلق اعتبار توسط بانک‌ها بدون پشتوانه (بدون مابازای واقعی) و تولید ارزش (ثروت) غیرواقعی از هیچ است (نهادی، ۱۳۵۲، ص ۲۰۷). بنابراین، پذیرش و شناسایی حق ایجاد اعتبار برای بانک‌های تجاری، به صاحبان آنها این قدرت را می‌دهد که با خلق اعتبار از هیچ، حاصل دسترنج دیگران را تصاحب کرده، یا با ارائه اعتبار به دیگران در برابر دریافت بهره، توزیع ثروت را به نفع خود برهم بزنند. خلق اعتبار

در نهایت، به بروز بحران مالی می‌انجامد. هزینه و آثار نامطلوب این امر به ویژه از بین رفتن پس اندازهای خانوارها و صرف مالیات‌ها و منابع عمومی برای برون‌رفت از بحران - مانند آنچه در بحران مالی اخیر در کشورهای غربی مشاهده گردید - بر دوش تمام اقشار جامعه تحمیل خواهد شد. از این نظر نیز توزیع عادلانه ثروت برهم خواهد خورد.

برای ارزیابی درست از عادلانه بودن خلق پول توجه به موارد ذیل لازم است:

الف، امکان خلق پول به وسیله بانک‌ها متکی به سرمایه‌ای است که متفاوت از سایر کسب‌وکارهاست، در تمامی فعالیت‌های بازاری قوام فعالیت اقتصادی بر سرمایه اولیه شناخت فن تولید و تکنولوژی، آماده‌کردن مواد اولیه، به‌کارگیری نیروی کار است، نه حمایت یا تضمین دولت. بانک‌ها در این اینجا موسساتی هستند که داشته اصلی آن‌ها سرمایه اولیه، ساختمان، تجهیزات و... نیست، چنان‌که ارزش این دارایی‌ها در مقایسه با بدهی‌های بانک (سپرده‌ها) و گردش مالی آن‌ها رقم ناچیز است، سرمایه اصلی بانک در کسب سود اعتماد است، بانک در عین داشتن بدهی‌های نقد و کوتاه‌مدت، دارایی‌های ریسکی، غیرنقد و بلندمدت بدست می‌آورد، آنچه بانک را قادر به این کار می‌کند اعتماد عموم مردم به اعتبار و مورد پذیرش بودن بدهی بانک است، وجود سپرده‌ها نزد بانک، که قدرت خلق پول، ریشه در آن دارد به همین عامل باز می‌گردد، حال سوال اینجاست که این اعتماد (مورد پذیرش عمومی بدهی) چگونه برای یک بانک حاصل شده و می‌شود؟ آیا این دستاورد مانند سایر کسب وکارهای بازار، محصول کارآیی بنگاه و نتیجه موفقیت او در یک بازار رقابتی است؟ واقعیت آن است که اعتماد عمومی به بانک و در نتیجه مقبولیت عام بدهی او که به وی امکان خلق پول می‌دهد، به میزان قابل توجهی به تضمین‌ها و حمایت‌های صریح و ضمنی حاکمیت باز می‌گردد.

ب، بانکداری در بردارنده جهت‌گیری‌های توزیعی در راستای افزایش فاصله در درآمد و ثروت است. معمولاً دسترسی به اعتبار، امتیازی برای استفاده از فرصت‌های سودآور بازار است، روش معمول و متعارف بانکداری این است که این فرصت را در اختیار افرادی قرار می‌دهد که قابلیت بازپرداخت بالاتری دارند، قابلیت بازپرداخت به طور اصلی تابع دارایی‌ها و ثروت اشخاص است که خود را در توان تامین وثیقه برای وام‌گیری و کسب رتبه‌های اعتباری مطلوب نشان می‌دهد. همه اینها به معنای آن است که اعتبار، به عنوان یک فرصت سودآور عمدتاً در دسترس اشخاص قرار می‌گیرد که از قبل و پیشتر از دارایی و ثروت انباشته‌ای برخوردار باشند، کارکرد این سازوکارها در مجموع موجب می‌شود گروهی اندک از جامعه (صاحبان سرمایه و دارایی) بتوانند شرایط دسترسی به اعتبار را فراهم کنند و در نتیجه خلق پول بانکی مترادف با دسترسی بیشتر آنها به فرصت‌های سودآور بازار است.

ج، هدف و کارکرد اعتبارات داده شده نیز در این خصوص دارای اهمیت است، چنانچه اعتبارات بانکی، که بخش قابل توجهی از آن در اختیار صاحبان ثروت و دارایی انباشته قرار می‌گیرد، از سوی آنان در فعالیت‌های مولد و ارزش‌افزا، در بخش‌های دارای اولویت اجتماعی بالاتر صرف گردد، این فرایند منافی برای جامعه نیز خواهد داشت، اگرچه باز هم می‌توان ادعا نمود که بیشترین نفع از ارزش خلق شده نصیب بانک و گیرنده اعتبار خواهد شد، اما در موارد که بانک‌ها از اعتبارات در جهت اهداف اجتماعی و خلق ارزش بهره نمی‌گیرند، آثار منفی توزیعی به اوج خود خواهد رسید. واقعیت خاجی گویای آن است که نظام بانکی در اکثر موارد مایل به

خلق پول برای تامین مالی فعالیت‌های همسو با منافع اجتماعی نیست. زیرا در ساختار پولی امروزی، پول‌های خلق شده، به نفع اقتصادهای قوی و تبعیض علیه شرکت‌های کوچک و افراد فقیر، با اولویت وام‌گیرندگان بزرگ تر داده می‌شود؛ زیرا بانک‌ها به طور طبیعی، در اعطای وام به ظرفیت بازپرداخت وام و درجه اعتبار وام گیرنده، که تابعی از دارایی و ثروت است، توجه دارند. این موضوع شرایطی را ایجاد می‌کند که در آن، ثروتمندان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می‌شوند. و این نشان دهنده توزیع مجدد غیر قابل توجهی از عموم به سهام دارن بانک است. چنین ساختاری منجر به درآمد بالای گروه سهام‌داران بانک می‌شود. از این‌رو، سازوکار کنونی خلق پول و اعتبار منجر به تمرکز ثروت واقعی نزد تعداد معدودی از افراد می‌شود، و خلاف دستور قرآن است که می‌فرماید: «نباید مداری در بین ثروتمندان در بین شما تشکیل شود» (حشر: ۷). خلق پول توسط بانک‌های تجاری منجر به کاهش ارزش منابع پولی جامعه از طریق تورم می‌شود. بنابراین، خلق پول بیش از همه، به نفع اولین در یافت‌کنندگان آن است. اولین کسی که از پول نفع می‌برد تولیدکننده‌ی آن و در مرحله‌ی بعد عرضه کنندگان کالا و خدمات به وسیله‌ی آن هستند. اما به تدریج، با ظاهر شدن آثار تورمی از قدرت خرید پول کاسته می‌شود. افرادی که در انتهای زنجیره قرار دارند، به ویژه آنهایی که این پول، به آنها نمی‌رسد بازندگان اصلی هستند؛ زیرا درحالی که باید قیمت زیادتری بپردازند، اما درآمد اسمی آنها اصلاً افزایش نمی‌یابد. از این رو، بحث از عدالت در نظام اسلامی، با وجود سازوکار کنونی خلق پول و اعتبار توسط نظام بانکی، معنا ندارد. با توجه به مطالب فوق، ارزیابی خلق پول بانکی با معیار عدالت بیانگر غیر عادلانه بودن سازوکار جاری خلق پول است. بنابراین، عملکرد موجود و فعلی خلق پول بانکی از جهت انطباق با معیار عدالت، یعنی برابری در فرصت‌ها و غیر تبعیض‌آمیز بودن قواعد، ناموجه و قابل انتقاد است.

منظر دوم ارزش داوری از دیدگاه معیار عدالت مربوط به ارزیابی «کارکرد» خلق پول به لحاظ سازگاری با معیار «توازن» در برخورداری‌ها یا «عدالت توزیعی» است، بانکداری در اثر سازوکارهای مربوط به الزام به توثیق دارایی برای گرفتن وام، در عمل اعتبارات را به افراد دارای ثروت انباشته سوق داده و استفاده از فرصت‌های سودآور بازار را برای این گروه بیش از سایر طبقات ممکن می‌سازد، یک نکته قابل توجه در این خصوص این است که دسترسی به اعتبار، خود قابلیت ایجاد سود یا تبدیل بازدهی بالقوه به فعلیت را بوجود می‌آورد، وقتی بانک به یک فعال اقتصادی اعتبار می‌دهد، با این کار به فعلیت یافتن بازدهی بالقوه کمک می‌کند. بنابراین، افراد که امکان دسترسی به اعتبارات دارند قابلیت بیشتری جهت محقق ساختن بازدهی بالقوه و کسب مازاد دارند، از اینجا می‌توان دریافت که در اساس، بانکداری (صرف نظر از موضوع خلق پول) در درون خود جهت‌گیری‌های آشکار در تشدید نابرابری داشته و ضد توازن در برخورداری‌ها عمل می‌کند، بنابراین، می‌توان گفت از این حیث با معیار عدالت توزیعی نمی‌سازد (سبحانی و درودیان).

۳- کاهش رشد اقتصادی: به یقین، می‌توان اظهار داشت که هیچ نظام اقتصادی در طول تاریخ سامان نیافته، مگر آنکه رشد اقتصادی و آبادانی تمام بخش‌های آن برای تولیدات بیشتر، از اهداف آن بوده است. به همین سبب، هر نظامی برای دستیابی به رشد مورد نظرش، تلاش‌های فراوانی می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۸).

با وجود این، سازوکار کنونی خلق پول به وسیله نظام بانکی در جهت ممانعت از رشد اقتصادی عمل می کند؛ زیرا بانک‌ها برای به دست آوردن سود بیشتر، در فعالیت‌های پرریسک و سرمایه‌گذاری‌های بی‌فایده‌ی اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند. در نتیجه، وام‌دهی و ایجاد اعتبار پول‌های جدید به جای اینکه در سرمایه‌گذاری پایدار به کار گرفته شود، به سمت املاک و سفته بازی هدایت می‌شود که عواقب زیان‌باری برای جامعه دارد. خلق پول همراه بهره است و معمولاً بهره، هزینه‌ی طرح سرمایه بر را بیشتر می‌کند و در نتیجه، از رشد اقتصادی ممانعت می‌کند. همچنین خلق پول توسط نظام بانکی همراه با تخریب بی‌رویه‌ی محیط زیست است که نتیجه‌ی بهره‌برداری بیش از حد، از منابع برای پرداخت بهره‌های خلق پول توسط نظام بانکی است و این مانع رشد پایدار است. بی‌تردید، ساختار نظام اقتصادی اسلامی، به ویژه ساختار مالی در این نظام، باید به گونه‌ای سامان یابد که موجب همسویی رشد و عدالت گردد. از این رو، سازوکار کنونی خلق پول توسط نظام بانکی، که در پی بدتر کردن وضع افراد فقیر و متوسط جامعه عمل می‌کند، باید به نظامی تبدیل شود که توانایی این عمل از وی ساقط است.

۴- بی‌ثباتی در قیمت‌ها: به‌طور کلی، می‌توان به ثبات قیمت‌ها (کنترل تورم) به عنوان یکی از هدف‌های سیاست کلان اقتصادی نظام مالی اسلامی اشاره کرد. در حال حاضر، بانک مرکزی با مراقبت‌های خود، سعی در کنترل تورم دارد. به همین روی، آنها تصمیم می‌گیرند که چه مقدار پول منتشر کنند و به گردش درآورند و این اطمینان برایشان حاصل شود که نه بیش از حد باشد و نه خیلی کم، درحالی که با خلق پول توسط نظام بانکی، حجم پول بیش از پایه‌ی پولی زیاد می‌شود. به همین سبب، توان کنترل تورم آسان نخواهد بود.

تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد بیش‌ترین نوسان‌های پولی، چه به صورت تورم شدید و یا کاهش ناگهانی در سطح عمومی قیمت‌ها به سبب رکود و کساد، از سده‌ی بیستم میلادی به این سو، پیامد بحران‌های بانکی بوده است. رشد فزاینده‌ی قیمت‌ها و بحران‌های بانکی نشانگر آشفتگی و نابسامانی نظام پولی مبتنی بر پایه‌ی خلق اعتبار بانکی است (مجاهدی مؤخر و دیگران، ۱۳۹۰). خلق پول مسئول تورم و موجب ویرانی جامعه است. عرضه‌ی پول توسط بانک‌ها و تورم حاصل از آن به این معناست که ارزش واقعی سپرده کاهش می‌یابد و این به معنای آن است که نمی‌توان دستورهای خدا در آیات ۸۴ و ۸۵ سوره‌ی هود را اطاعت کرد؛ آنجا که می‌فرماید: «... و از پیمانانه و ترازو نگاهید... پیمانانه و ترازو را به طور کامل و با عدل و انصاف بسنجید و هنگام سنجیدن و پیمانانه کردن کالاهای مردم، از آنها نگاهید...». لذا، سازوکار کنونی خلق پول توسط نظام بانکی، که تشدیدکننده‌ی تورم است، در نظام مالی اسلامی پذیرفته شده نیست.

نتیجه‌گیری

اقدامات بانک مرکزی بر مبنای انتشار پول بدون پشتوانه و شبکه بانک‌های تجاری و دیگر نهادهای سپرده‌پذیر، منشا خلق پول و اعتبار است. بانک‌های تجاری از سپرده‌گذاری‌های انجام شده اقدام به وام‌دهی می‌کنند، بازگشت منابع وام داده شده، در قالب سپرده‌های جدید، زمینه‌ی برای پرداخت وام‌های جدید را ایجاد می‌کند. از این رو، مساله خلق پول و اعتبار یکی از مسائل اصلی و اساسی در نظام بانکی و بانکداری متعارف و اسلامی

است. در این باره دیدگاه‌های مختلفی، در بین کارشناسان و متخصصین اقتصادی وجود دارد، در ادبیات اقتصاد اسلامی گرایش غالب مردود دانستن خلق پول و اعتبار از حیث سازگاری با معیارهای دینی است.. یافته‌های این نوشته نشان می‌دهد که خلق پول و اعتبار بوسیله‌ی سیستم و نظام بانکی، نقض ضوابط دینی و بوجود آورنده مشکلات همچون عدم وفای به عهد، اکل مال به باطل می‌شود. همچنین خلق پول توسط بانک‌ها و نهادهای سپرده‌پذیر مانع تحقق اهداف نظام مالی اسلامی مانند (ثبات اقتصادی، عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی و تثبیت قیمت‌ها) و نقض‌کننده اصول اخلاقی، ناقض قدرت دولت در اعمال حاکمیتی انتشار پول و اعتبار و محرک فعالیت‌های فاقد اولویت اجتماعی معرفی شده است.

فهرست منابع

۱. ایزد خواستی، حجت، تحلیل تاثیر خلق اعتبار در نظام بانکداری ذخیره جزئی بر متغیرهای کلان اقتصادی در ایران، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی جستارهای اقتصادی، سال چهاردهم، ش ۳۷، ۱۳۹۶.
۲. برزانی، محمد واعظ، ابراهیمی، بهنام، تحلیل نظری تاثیر خلق اعتبار بر بحران مالی، معرفت اقتصاد اسلامی، سال پنجم، ش ۱، ۱۳۹۳.
۳. باستانی‌فر، ایمان و همکاران، الگوی خلق اعتبار در بانکداری اسلامی متأثر از اندیشه شهید صدر، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال شانزدهم، ش ۶۱، ۱۳۹۴.
۴. بخشی، رسول و دلالی اصفهانی، رحیم، آسیب‌شناسی نظریه بهره‌نظام بانکداری متعارف، دانشگاه یزد، ۱۳۹۱.
۵. ثابت، سیدعبدالحمید، جایگاه خلق پول در نظام اقتصادی اسلام، تهران، دانشگاه غیر دولتی عدالت، چ ۱، ۱۳۹۷.
۶. سبحانی، حسن و درودیان، حسین، ارزیابی توجه‌پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال شانزدهم، ش ۱۶، ۱۳۹۵.
۷. شهید صدر، سید محمد باقر، بانک بدون ربا در اسلام، ترجمه، یحیی علوی، چ دوم، تهران دانشگاه امام صادق «ص»، ۱۳۹۳.
۸. داودی، پرویز و نظری میر جلیلی، پول در اقتصاد اسلامی، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، چ اول، ۱۳۷۴.
۹. دلالی اصفهانی، رحیم و مجاهدی موخر، محمد مهدی، بررسی دیدگاه غربی و رویکرد اسلامی به ماهیت پول و اعتبار، مجله اقتصادی، ش ۱، ۱۳۹۱.
۱۰. دولت آبادی، سید مهدی حسینی، ترتیبات خلق پول از منظر اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی با تاکید بر نرخ ذخیره قانونی، ۱۳۹۴.
۱۱. درودیان، حسین، (هدایت خلق پول) آنچه در باره معجزه شرق آسیا نمی‌دانیم، جستارهای مبین، س ۴، ش ۴۵، ۱۳۹۵.
۱۲. صدر، محمد باقر، الاسلام یقود الحیاه، المدرسه الاسلامیه، رسالتنا، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید صدر، ۱۴۲۹ق.
۱۳. صمصامی، حسین و کیانپور، فرشته، بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی، معرفت اقتصاد اسلامی، سال هفتم، ش ۱۳، ۱۳۹۴.
۱۴. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۵. صمصامی، حسین و داودی، پرویز، بسوی حذف ربا از نظام بانکی از نظریه تا عمل، تهران، دانایی توانایی، ۱۳۸۹.
۱۶. --- داودی و جهانی گوران، هزینه‌های خلق پول در نظام بانکداری متعارف و راهکار تامین مالی اسلامی، فصلنامه پژوهش اقتصادی، سال چهاردهم، ش ۵۵، ۱۳۹۳.

۱۷. کرمی، محمد مهدی و نبی‌زاده، محمد پورمند، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۱۸. میرمعزی، سید حسین، نظام اقتصادی اسلام، مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۹. موسویان، سیدعباس، احکام فقهی اوراق بهادار، رساله‌ی سطح چهار حوزه، ۱۳۸۴.
۲۰. --- ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۲۱. معاونت پژوهش‌های اقتصادی، ابعاد و پیامدهای خلق پول توسط بانک‌های تجاری در ایران، دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۳.
۲۲. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقهی، تهران، مرکز نشر علوم انسانی، ۱۴۰۶.
۲۳. میرمعزی، سیدحسین، الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال پنجم، ش ۱۷، ۱۳۸۴.
۲۴. نهاوندی، هوشنگ، تاریخ مختصر عقاید اقتصادی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
۲۵. هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، قم، موسسه فرهنگی خانه خرد، ۱۳۸۸.
۲۶. یوسفی، احمدعلی، نظام اقتصادی علوی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.